

جوراب ساق بلند سفید /

و داستان‌های دیگر /

دی. اچ. لارنس /

ترجمه‌ی فرید قدمی /

اودیسه ۹

www.ketab.ir



نشر هیرمند

مراکز فروش /



بخش هیرمند / میدان پونک / مجتمع تجاری بوستان / واحد ۷۲۳

تلفن / ۹۵۱۱۸۵۸۷

/ www.hirmandpublication.com



شهرکتاب بوستان / میدان پونک / مجتمع تجاری بوستان / دور رینگ مرکزی

تلفن / ۴۴۴۹۸۳۴۵

/ www.bbookcity.com

سرشناسه: لارنس، دوید هربرت؛ ۱۸۸۵-۱۹۳۰ م. (David Herbert Lawrence, D.H.) / عنوان و نام
پدیدآور: جوراب ساق بلند سفید و داستان‌های دیگر؛ دی. ایچ. لارنس؛ ترجمه‌ی فرید قدیمی / مشخصات
نشر: تهران؛ نشر هیرمند، ۱۴۰۰ / مشخصات فیزیکی: ۹۴ ص. / شابک: ۱-۷۷۲-۴۰۸-۹۶۴-۹۷۸
/ وضعیت فهرست نویسی: فیبا / موضوع: داستان‌های کوتاه انگلیسی -- قرن ۲۰ م. /
موضوع: Short Stories, English--20th Century / شناسه افزوده: فرید، ۱۳۶۴، مترجم / شناسه افزوده:
Ghadami, Farid / رده بندی کنگره: PZ۳ / رده بندی دیویی: ۹۱۳ / شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۶۳۴۳۶

عنوان و پدیدآور / جوراب ساق بلند سفید / دی. ایچ. لارنس

مترجم / فرید قدیمی

نوبت چاپ / اول / ۱۴۰۰

شمارگان / ۱۰۰۰ نسخه

قیمت / ۳۰۰۰۰ تومان

شابک ۱-۷۷۲-۴۰۸-۹۶۴-۹۷۸

صفحه آرای / نشر هیرمند

طراحی جلد / هیرمند استودیو / محمد خاکپور @hirmandstudio

چاپ و صحافی / چاپ هیرمند

همه‌ی حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است. ©

فهرست

۹		پیشگفتار مترجم
۱۹		جوراب ساق بلند سفید
۵۱		انتخاب دوم
۶۳		سایه‌ای در باغچه‌ی زن
۸۱		مراسم تعمید

پیشگفتار مترجم

دی. اچ. لارنس نویسنده‌ی ناممکن‌هاست، یا به عبارت بهتر نویسنده‌ای ست ناممکن؛ همچون همین پیشگفتار که پس از پایان ترجمه‌ی داستان‌هایی از او قرار گرفته اما پیش از آن ظاهر شده، گویی که «آینده» را جای «گذشته» جا زده است. اگر برای هر شاعر یا نویسنده‌ای قائل به خانواده‌ای باشیم که او را دربرمی‌گیرد، بی‌گمان بایستی لارنس را نیز در خانواده‌ای از دیگر شاعران و نویسندگان ناممکنی قرار دهیم که بیش از حد معاصرند. همان معنا که همواره خود را از گذشته به آینده‌ای می‌افکنند که همیشه پیش روی ماست، نه در پس ما، که هیچ‌گاه نمی‌توانیم آنان را در زمانه‌ی خود جا دهیم؛ شاعران و نویسندگانی چون فردریش نیچه و ژرژ باتای.



باتای در دیباچه‌ی ویرایش دوم کتاب «ناممکن» (L'Impossible) از چیزی حرف می‌زند که برای ما در فهم آثار لارنس اهمیتی به‌سزا دارد: امر ناممکن. به گفته‌ی او «تنها افراط‌گرایی میل و مرگ است که کسی را برای دستیابی به حقیقت توانا می‌کند.» و این حقیقت، همان ناممکنی است که لارنس در تمامی آثارش، اعم از زمان، شعر، سفرنامه و غیره، در پی‌اش بود. لارنس برای رسیدن به بیان ناممکن واژه‌ها و عباراتی تازه را به زبان انگلیسی هدیه داد، هدیه‌ای که به تعبیر دریدا خود امری ناممکن است؛ چراکه هیچ دلیلی برای دادنش وجود ندارد، اما ما همچنان هدیه می‌دهیم و می‌گیریم؛ همچون زنی که در داستان لارنس با اسب از ملال

زندگی اش می‌گریزد (The Woman Who Rode Away) و در جست‌وجوی چیزی نو به میان سرخپوست‌ها می‌آید، اما آنان او را قربانی و به ایزدان‌شان هدیه می‌کنند، یا که شاید او خودش را هدیه می‌دهد.

میل و مرگ هر دو در آثار لارنس نقشی مهم دارند: راه‌هایی به سوی ناممکن، شاید به سوی سرزمین ناشناخته‌ای که بیرکین در رمان «زنان عاشق» (Women In Love) با اورسلا از آن می‌گوید، یا شاید به سوی همان جایی که لارنس با برتراند راسل از آن سخن گفته و راسل او را دیوانه می‌خواند، یا به سوی همان سرزمینی که لارنس در شعر «سرزمین ناشناخته» ('Terra Incognita') این‌گونه توصیفش می‌کند:

«قلمروهای پهناوری از هشیاری هست که هنوز به تصور نیز درنیامده

دامنه‌های وسیع تجربه، همچون همهمه‌ی چنگ‌های ناپیدا،

که چیزی از شان نمی‌دانیم، در درون‌مان.

آه، وقتی که انسان از مخمصه‌ی سیم‌خاردار ایده‌ها

و ابزارهای مکانیکی اش بگریزد،

جهان غنی و شگفت‌آور تماس و زیبایی سیال محض پدیدار می‌شود

و آگاهی رو در روی بی‌باک از زندگی اکنون برهنه؛

و من، و تو، و مردان و زنان دیگر

و دانه‌های انگور و غول‌ها و اشباح و مهتاب سبز

و شاخه‌های پرتقال‌های خونی در کار برانگیختنِ برزخِ هوای ناشناخته.

و چشم‌ها که بسیار نرم

نرم‌تر از فضای میان ستاره‌ها.

و همه‌چیز، و هیچ‌چیز، و هستی و ناهستی

به تناوب می‌تپند

وقتی که ما سرانجام از حصار سیم‌خاردار "خودت را بشناس" می‌گریزیم